

متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیز که با گوش کردن به بحث معرفت نفس و معاد شما دین برام بسیار شیرین تر و جذابتر و قشنگتر و قابل فهم تر شده. استاد بنده زیاد قرآن میخونم و خیلی علاقه دارم و گاه و بیگاه قرآن میخونم و اصلا بسیاری مواقع وقتی از کنار قرآن رد میشم قرآن رو باز میکنم و به خط میخونم و میندم. و از بسیاری از آیات قرآن لذت میبرم و یجورایی حس میکنم که قرآن توی قلب ادم قرار داره و صرفا چنتا جمله نیست ایاتی که درباره خداست مته سوره ی انعام و ایت الکرسی و... از این قبیل آیات که واقعا دلم رو میبره. سوره های اخر قرآن که جذابیتها و معارف و نکات خودش رو داره مانند مباحث قیامت که خود شما بیشتر خبر دارید. استاد عزیز شبهه ی دارم. من ریشه ی خیلی از علوم رو توی قرآن میبینم و با قرآن واقعا احساس آرامش دارم ولی به موضوع من رو گاهی اوقات بهم میریزه. وقتی توی سخنرانیهای شما حرف از کتاب اپانیشادها یا فلوتی که شما فرمودید سه تا معراج روحانی داشته صحبت به میون میاد دلم میلرزه به خودم میگم نکنه کتابهایی دقیق تر از قرآن هستند و من از آنها بی خبرم!! استاد چرا فقط قرآن؟؟ وجه تمایز قرآن با سایر کتب دینی چیه؟ عرفان های نوظهور و کتابهاشون آیا حرفی برای گفتن دارند؟؟ بنده به این کتابها دسترسی ندارم و اصلا میترسم سراغشون برم. اگه حرفی ندارن پس چرا افراد دنبالش میرن؟؟ اگه قرآن این همه حقایق داره که روایات و علما و ... میگن پس چرا کسی سراغش نمیره یا خیلی کم مورد نظر قرار میگیره؟؟ استاد این سوالات رو برای جدل نپرسیدم واقعا برام سواله پس خواهشا اگه برای شما مقدوره کمک کنید. از اون طرف لذت قرآن رو حس میکنم و نمیتونم ازش کناره بگیرم ولی پیش خودم میگم خب این یه حس بی دلیله مته یه نفری که به شعر علاقه داره!! با اینکه میدونم قرآن شعر نیست ولی دلم همیشه با این شبهات درگیره! چه کنم یقین بیاد سراغم و مته اشخاصی که اگه سرشون رو ببری دست از دینشون بر نمیدارن بشم. استاد چه کنم محکم باشم و با ابتدایی ترین شبهات ذهنم درگیر نشه؟ ببخشید که با سوالاتمون وقتتون رو میگیریم. از خداوند میخوام که شما رو حفظ کنه و به هر آنچه میخواهید برسید انشاءالله

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انسان از طریق فطرت خود متوجه می‌شود همان خدایی که انسان و جهان را با چنین دقت و استحکامی آفریده قرآن را نیز نازل نموده و بدین جهت قرآن متذکر حقیقت انسان و جهان هستی است ولی همان‌طور که فرمود: «لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» همه‌ی پیامبران در شرایط

تاریخی خود از همان حقیقتی که قرآن متذکر آن است برای بشر ارمغان آورده‌اند و آن‌هایی که در زمان خود دست به ریسمان الهی زدند بهره‌ی لازم را از حقیقت بردند چه افوظین باشد و چه حواریون مسیح. ولی این هیچ ربطی به عرفان‌های نوظهور که بیرون شریعت الهی متولد شده‌اند ندارد که این‌ها انسان را گرفتار توهمات می‌کنند. در راستای اطمینان قلبی نسبت به قرآن کافی است مدتی از طریق تفاسیر قابل اعتماد در قرآن تدبّر کنید در آن صورت به حقیقت آن پی می‌برید و از آن به بعد حقیقت را در هر جا که باشد و به هر اندازه که باشد می‌شناسید. موفق باشید